



## فهرست مطالب

۹	مقدمه.....
۱۳	یک روز، یک مرد.....
۱۴	صدای رایو ضبط.....
۱۵	شرمنده!.....
۱۶	تاکسی تلفنی!.....
۱۷	سوژه‌ی اصلی شوخی‌ها.....
۱۹	حنجره‌ی آهنی.....
۲۰	بهتر است بمانی!.....
۲۱	جرات و شوخ طبعی.....
۲۳	دوست دارم همه را بخندانم.....
۲۴	این‌ها آثار شامپوست!.....
۲۵	مدت‌ها می‌خندیدیم.....
۲۶	صدای جیغ گربه!.....
۲۸	گلاب، گلاب!.....
۳۰	نمایش پهلوان.....
۳۲	فکر می‌کردم آدم درست و حسابی هستی!.....
۳۴	معرفی!.....
۳۵	صدای پیک‌ها!.....

۳۶	چه خوابی دیدم.....
۳۸	ساعت مچی عجیب!.....
۴۰	این چیه به من دادی؟.....
۴۲	برای رفع سلامتی!.....
۴۳	سیگار روی نی!.....
۴۴	تئاتر طنز.....
۴۷	طناب پاره کردن!.....
۴۹	جمع کنبد این بساط را!.....
۵۱	بیاین جلو، برین عقب.....
۵۲	اگر دستم دیدی!.....
۵۳	سوت واقعی و تقلبی!.....
۵۴	سرهم کردن!.....
۵۶	شب‌های سرد.....
۵۷	جیغ بلند!.....
۵۸	شماره‌گیری با تلفن بی‌شماره‌گیر!.....
۶۰	گرسنه.....
۶۲	ماه رو می‌بینی؟.....
۶۴	سفره.....
۶۵	چطور آمدی؟.....
۶۷	دروازه‌بان!.....
۶۹	توطئه.....
۷۰	شوخی با فرمانده!.....
۷۲	گل مالی!.....
۷۴	گوشت تمام شده گریه می‌کنی؟.....
۷۵	فرماندهی قاطرها!.....
۷۶	بیا خواستگاری خواهر من!.....

- ۷۷.....حوری زشت و بداخلاق!
- ۷۸.....کادوی عروسی .....
- ۸۰.....مهمانی .....
- ۸۲.....بهبانهای برای لبخند زدن .....
- ۸۴.....هر دووانه را می خوریم! .....
- ۸۶.....انگیزه‌ی تو چیه؟ .....
- ۸۸.....لب و چانه‌ی عسلی و نیش زنبورها! .....
- ۹۱.....تیرانداز بی تیر! .....
- ۹۳.....سیراب که شد خنده تحویل‌مان داد .....
- ۹۴.....رادیو ضبط .....
- ۹۵.....منابع .....





## مقدمه

روزی پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله)، هسته‌های خرمایی را که تناول می‌کردند، جلوی حضرت امیر (علیه السلام) می‌گذاشتند. بدین صورت، هسته‌های خرما جلوی حضرت زیاد شد، مثل آنکه همه را ایشان میل کرده بودند. از این مزاح همگی خندیدند و مسرور شدند. مزاح و شوخی با رعایت جوانب و مسائل شرعی آن، موجب سرور و شادمانی می‌شود و خنده بر صورت مؤمن بسیار زیبا و زیننده است. شاد کردن مؤمن در اسلام مورد تأکید و دارای ثواب زیادی است. چنانچه روایت شده است که مؤمن، اندوهش در قلب و سرورش در چهره است، چرا که نشاط و شادابی، انگیزه و امید و تلاش را در جامعه افزون می‌نماید و مشکلات را آسان می‌سازد. این که خداوند دوست دارد آثار نعمت‌ها و رحمتش در مؤمنان آشکار باشد، ولی

غم‌ها و نگرانی‌هایشان پنهان، یک جنبه‌ی آن، آثار روانی آشکار شدن خوشی‌ها و پیشرفت‌ها در جامعه است. این که به تعبیر قرآن کریم مؤمنان در نداری‌ها، صورت با سلیبی سرخ می‌کنند که گویا هیچ مشکلی ندارند و در آسایشند، از همین باب است.

در جبهه‌های دفاع حق علیه باطل، همه گونه آدم‌هایی بودند. از نوجوانان ۱۳ و ۱۴ ساله تا پیرمردهای هفتاد ساله و بیشتر، از روستایی و شهری، از تحصیل کرده‌های دانشگاهی تا کم سوادها، از رزم دیده‌ها و کهنه کارهای جبهه تا تازه رسیده‌ها و رزم ندیده‌ها، از ایمان‌های بالا و محکم و دل‌های قرص تا ایمان‌های نه چندان قوی، این طیف وسیع انسانی، در برابر شدت و حدت جنگ، غرش توپ‌ها و بمباران هواپیماها و صفیر گلوله‌ها و منورها و میدان مین‌ها، و در یک کلمه، مجروحیت و شهادت و اسارت، در یک ردیف نبودند. اگر چه بعد از مدت کوتاهی، همه شهادت طلب می‌شدند و متوکل به خداوند و مشتاق قرب او، ولکن، در هاله‌های غم و اندوه از دست دادن یاران و دوستان، دیدن جراحت‌ها و

زخمی‌ها، کسالت دوران آماده‌سازی تا عملیات، روحیه خیلی مهم بود. در چنین زمانی بود که آبدیده‌ها و روحیه دارها، با مزاح و شوخ طبعی به کمک می‌آمدند و لبخند بر لبان رزمندگان می‌نشانند و اندوهشان را می‌کاستند و امیدشان را می‌افزودند.

«لبخند بزن رزمنده» تابلوی معروفی بود در خطوط جبهه‌ها. شادابی و نشاط در جبهه‌ها، یک امر عجیبی بود. در سخت‌ترین صحنه‌ها و شرایط، خود را نباختن و امید را حفظ کردن و بلکه شوخی کردن و مزه ریختن و خندانیدن دیگران، امر عادی نیست. بی‌شک لطف و عنایت خداوند و سکینه‌ای که در دل‌های مجاهدان قرار می‌داد، منبع اصلی این سرزندگی بود.

رزمندگان شوخ طبع و با نشاط، وقتی شب‌ها برمی‌خاستند تا در گوشه‌ی خلوتی یا در قبرهای آماده کرده، به راز و نیاز با بی‌نیازِ مطلق بپردازند و با دعا و مناجات دل‌هایشان را صفا دهند و به پهنای صورت اشک بریزند، معلوم می‌شد که خنده‌ی روزها و نشاط صحنه‌های سخت نبرد، از دلِ مطمئن و آرام به یاد خدای آنان برمی‌خیزد و

این خود موج خنکای رحمت خداوند بود در  
گرماگرم نفس گیر جهاد با دشمنان تا دندان  
مسلح. اگرچه در آن زمان، این فرح بخشی‌ها و  
شاد کردن‌ها، چندان ثبت و ضبط نشده است، اما  
خاطرات بازماندگان جبهه‌ها، گوشه‌هایی از این  
رحمت الهی را باز نشانمان داده است. و ما این  
بُعد از روح لطیف و بلند رزمندگان را با این  
خاطره‌ها باز می‌شناسیم و می‌فهمیم که راه شهدا،  
حفظ روحیه و شادابی و نشاط و امید در اوج  
سختی‌ها و کمبودها و دشواری‌هاست. برای خدا،  
اسلام و امام، تحمل می‌کردند و خنده بر لب و  
شادمانی بر چهره داشتند و این منتهای شکست  
دشمنان نیز بود.

مؤسسه فرهنگی هنری قدرولایت